

فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده

سال یازدهم، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۹۵: ۹۷ - ۷۱

تعیین کننده‌های رفتار باروری زنان گروه‌های مذهبی شیعه و اهل سنت

سید محسن سعیدی مدنی^۱

حامد کریمی^۲

اردشیر جلیلیان^۳

محمدعلی آرمند^۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۴/۱۷

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۱/۱۶

چکیده

عوامل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در میزان باروری تا چه حد مؤثر است و باروری زنان در میان زیر گروه‌های مختلف مذهبی به چه صورت است؟ برای پاسخ به این سؤالات، داده‌ها با استفاده از روش پیمایشی و پرسشنامه ساخت‌یافته در مورد ۳۶۲ زن شیعه و سنی در شهر سرپل ذهاب انجام گرفت، جمع‌آوری شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که تفاوت آماری معنی‌داری بین باروری این دو گروه مذهبی از زنان وجود دارد؛ هر چند میزان باروری در هر دو گروه کم است. این معنی‌داری توانایی فرضیه الهیات ویژه را در تبیین تفاوت باروری میان زیرگروه‌های مختلف جمعیتی آشکار می‌کند. تحلیل‌های چند متغیری نشان داد که ترکیبی از ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی سهم تعیین‌کننده‌تری (۳۹ درصد در مقابل ۲۰/۱ درصد) در تبیین باروری زنان سنی در مقایسه با زنان شیعه دارد. هم‌چنین، تحلیل چند متغیری نشان داد که با کنترل تمام متغیرهای مستقل، مذهب تأثیر معنادار خود را حفظ کرده است؛ هر چند شدت این رابطه با کنترل دیگر متغیرها کاهش یافته است. بر اساس این نتایج در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی آینده، سیاستها باید بیشتر معطوف و متمرکز بر زنان ازدواج کرده تک فرزند و بویژه بدون فرزند باشد که در نمونه مورد بررسی و در میان زنان شیعه مذهب (۸/۲۸ درصد بدون فرزند) نمایانتر است. بنابراین، سیاستهای دولت باید با خواسته‌ها و منافع زنان و خانواده‌ها همسو باشد.

کلیدواژه‌ها: باروری، تنظیم خانواده و باورهای فرهنگی، اقتصاد و اجتماع، گروه‌های مذهبی زنان.

m.saeidi@yazduni.ac.ir

h.karimi1717@yahoo.com

ja.ardeshir@yahoo.com

armand.ma2012@yahoo.com

۱ - دانشیار گروه مردم‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

۲ - نویسنده مسئول: کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد

۳ - دانش آموخته کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد

۴ - دانش آموخته کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد

مقدمه

رفتار باروری در جامعه به عنوان یکی از عوامل اصلی دگرگونیهای جمعیتی، تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است به گونه‌ای که تحول و دگرگونی در هر کدام از این عوامل، بر تغییرات باروری تأثیر مستقیم و غیر مستقیمی خواهد گذاشت. در همین راستا ایران در چند دهه اخیر، تحولات جمعیت‌شناختی چشمگیری را تجربه کرده که این تحولات بیش از هر چیزی در مورد وضعیت زنان در جامعه قابل مشاهده است. کاهش باروری از حدود ۷ فرزند در سال ۱۳۵۸ به حدود ۲/۱ در سال ۱۳۷۹ مؤید همین است (عباسی شوازی و دیگران، ۲۰۰۹: ۲۶).

پژوهشگران حوزه جمعیتی عوامل مختلفی را در جهت تبیین تغییرات باروری مورد بررسی قرار داده‌اند؛ به عنوان مثال نظریه‌های انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری (نظریه کلاسیک گذار جمعیتی، نظریه جریان ثروت بین نسلی، رویکرد تبیین نهادی، نظریه هزینه و منفعت فرزندان، نظریه برابری جنسیتی و...) بر اهمیت نسبی عوامل مختلفی چون توسعه اقتصادی اجتماعی، درآمد، سواد و تحصیلات، موقعیت اجتماعی و به‌طور کلی ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی در تأثیرگذاری بر چنین تصمیم‌گیریهای فردی تأکید می‌کند (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۲۱)؛ با این حال، شواهد تجربی گویا است (کله‌لند و ویلسون^۱، ۱۹۸۷؛ بونگارت و واتکینز^۲، ۱۹۹۶؛ مک کویلان^۳، ۲۰۰۴) که به تنهایی نمی‌توان رفتار باروری را با استفاده از رویکردهای مبتنی بر الگوهای انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری تبیین کرد؛ به این معنا که علاوه بر عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر باروری، ویژگیهای فرهنگی نیز می‌تواند بخشی از تحولات و تغییرات باروری را تبیین کند. در واقع هر یک از گروه‌های مذهبی دیدگاه‌های ویژه‌ای در زمینه موضوعات و مباحث جمعیتی دارند که به نوبه خود می‌تواند باروری آنها را تحت تأثیر قرار دهد. همل^۴ (۱۹۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان ارائه نظریه‌ای از فرهنگ برای جمعیت‌شناسی بر این باور است که فرهنگ می‌تواند این موضوع را روشن کند که چرا افراد یا جوامعی که ظاهراً از نظر اقتصادی - اجتماعی در وضع یکسانی به سر می‌برند در زمینه دموگرافیک (باروری، مهاجرت و مرگ و میر) به گونه متفاوتی عمل می‌کنند. در واقع، همل در این نظریه نشان می‌دهد که به‌طور کلی، الگوی فرهنگی تبیین باروری، فرض را بر این می‌گذارد که بین میزان انسجام و احساس تعلق قومی با باروری رابطه‌ای مثبت وجود دارد. البته

1 - Cleland & Wilson
2 - Bongaarts & Watkins
3 - Mcquillan
4 - Hammel

در این زمینه نمی‌توان تفاوت‌های مذهبی بین گروه‌های قومی و نقش آیین و دکترین‌های مذهبی را در شکل‌دهی رفتارهای جمعیتی نادیده گرفت. از این رو، سنت طولانی مدتی در ارتباط با وابستگی‌های مذهبی به عنوان تعیین‌کننده رفتار جمعیتی وجود دارد. مطالعات در این زمینه نشان می‌دهد (آلتاس^۱، ۱۹۹۲؛ موشر و هندرشات^۲، ۱۹۸۴؛ ساندر^۳، ۱۹۹۲) مذهب می‌تواند بر رفتار جمعیتی تأثیرات متفاوتی بر جای گذارد که این تأثیرات از یک سو با آموزه‌های دینی تأثیرگذار بر سن ازدواج و یا استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری مرتبط است و از سوی دیگر ممکن است به دلیل منزلت اجتماعی باشد که از ساختار مذهبی خاصی به وجود می‌آید. بنابراین، شواهدی هست که نشان می‌دهد در استان‌های سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی باروری زنان سنی (۴/۸ فرزند) نسبت به زنان شیعه (۳/۴ فرزند) در سطح بالاتری قرار دارد و در مورد اجرای برنامه‌های تنبیهی دولت در قبال کاهش باروری، زنان شیعه دیدگاه مثبت‌تری به مسئله مورد بررسی داشته‌اند (عباسی شوازی و دیگران، ۱۳۸۳). هم‌چنین مطالعات نشان می‌دهد استان کرمانشاه بر اساس شاخص‌های توسعه و میزان توسعه‌یافتگی در سال ۱۳۹۰، بین ۳۰ استان کشور رتبه ۲۱ را کسب کرده است (شیخ بیگلو، ۱۳۹۰: ۶۴). با وجود سطح پایین توسعه در این استان، میزان باروری کل به طور قابل توجهی کاهش یافته و به ۱/۸ فرزند برای هر مادر در سال ۱۳۹۰ رسیده است. شهر سرپل ذهاب نیز از این قاعده مستثنی نیست (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

بر این اساس، چند سالی است که موضوع بازنگری در سیاست‌های جمعیتی کشور از طرفی در دستور کار مقامات رسمی دولتی قرار گرفته و از سوی دیگر به موضوع بحث و بررسی محافل علمی و دانشگاهی تبدیل شده است. اگرچه بر ایند همه نشست‌ها بازنگری در سیاست‌های جمعیتی و انتخاب سیاست‌هایی در راستای تشویق موالید است، واقعیت این است که انتخاب هرگونه برنامه عملی در این زمینه مستلزم آگاهی و شناخت از رفتار باروری زنان و عوامل و تعیین‌کننده‌های آن در بسترها و زمینه‌های گوناگون اجتماعی فرهنگی جامعه ایران و نیز در میان زیرگروه‌های مختلف جمعیتی است. بنابراین، مقاله در صدد است که تفاوتها و شباهتهای باروری زنان و عواملی را شناسایی کند که رفتار باروری زنان را در دو زیر گروه مذهبی برای داشتن فرزند تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تبیین رفتارهای باروری و تغییرات آن بیشتر بر رویکردهای انتخاب عقلانی و ساختاری و تبیین‌های هنجاری فرهنگی مبتنی است. نظریه‌های مبتنی بر تبیین‌های انتخاب عقلانی و ساختاری در مجموع استدلال می‌کند که در برشهای زمانی خاصی در تاریخ هر کشور یا منطقه، اوضاع ساختاری مانند شهرنشینی، صنعتی شدن، توسعه اقتصادی - اجتماعی و ویژگیهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی مثل سطح درآمد سرانه، مشارکت زنان در نیروی کار، سطح تحصیلات بویژه تحصیلات زنان، میزان مرگ و میر اطفال، امید به زندگی در بدو تولد و... فواید اقتصادی داشتن خانواده بزرگ و پُر حجم را کاهش می‌دهد (حسینی، ۱۳۹۰).

از میان نظریه‌های انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری برای تبیین رفتارهای باروری گروه‌های قومی و مذهبی به فرضیه ویژگیها^۱ و فرضیه موقعیت گروه اقلیت^۲ استناد می‌شود. بر اساس فرضیه ویژگیها تفاوت باروری نمایانگر تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی گروه‌های مذهبی است و مذهب به‌عنوان معرفی از تحصیلات، شغل، درآمد، اقامت شهری - روستایی و تحرک اجتماعی مد نظر قرار می‌گیرد (لوکاس و میر، ۱۳۸۷: ۱۰۲). بنابراین، تفاوت‌های باروری گروه‌های قومی صرفاً بازتاب تفاوت‌های قومی در توزیع منابع اقتصادی و اجتماعی مرتبط با تصمیم‌گیری برای باروری و به‌طور کلی تفاوت‌های ویژگیهای اقتصادی اجتماعی و جمعیت‌شناختی آنهاست. در نتیجه، انتظار می‌رود با ایجاد همانندی در توسعه اقتصادی و اجتماعی و کاهش شکافهای توسعه‌ای تفاوت‌های قومی باروری به حداقل برسد و به سوی همگرایی میل کند. بنابراین، گفته می‌شود قومیت بر باروری تأثیر مستقل معنی‌داری ندارد و تفاوت‌های باروری گروه‌های قومی، پدیده‌ای مقطعی است که در گذر زمان در اثر نوسازی و ایجاد همانندی در توسعه اقتصادی و اجتماعی از بین می‌رود. تفاوت‌های باروری گروه‌های قومی پدیده‌ای موقتی است. به موازات همانندی اعضای گروه‌های قومی از نظر اقتصادی و اجتماعی و افزایش هزینه‌های فرصت داشتن بچه، سطوح باروری آنها به سوی همگرایی میل می‌کند؛ به بیانی دیگر، در فرایند نوسازی و گسترش ارتباطات اجتماعی، مرزبندی قومی به هم می‌ریزد و در پی آن در صورت همانندی در ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی تفاوت‌های قومی باروری از بین می‌رود و به سوی همگرایی میل می‌کند (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۳۱).

یکی دیگر از فرضیه‌های تأثیرگذار، فرضیه موقعیت گروه اقلیت^۳ است. گلدشایدر و

1 - The Characteristics Hypothesis
2 - The Minority Group Satus Hypothesis
3 - The Minority Group Satus Hypothesis

اولنبرگ^۱ معتقدند باروری کم گروه اقلیت ممکن است ناشی از تعامل موقعیت گروه اقلیت و موقعیت اقتصادی و اجتماعی باشد. عدم امنیت ناشی از عضویت در گروه اقلیت دو بُعد روانی اجتماعی و سیاسی دارد و در دو جهت متفاوت بر باروری اثر می‌گذارد. در وضعیت تبعیض و نابرابری و در صورت وجود زمینه‌های سه گانه مورد نظر گلدشایدر و اولنبرگ، بین باروری و عدم امنیت روانی اجتماعی اعضای گروه اقلیت رابطه‌ای معکوس وجود خواهد داشت به طوری که باروری اقلیت به سطحی پایین‌تر از گروه اکثریت کاهش می‌یابد؛ زیرا فرد، باروری کم را ابزار رسیدن به پیشرفت و ترقی اجتماعی می‌داند.

برعکس، عدم امنیت سیاسی، در حاشیه بودن و نداشتن تحرک صعودی مرتبط با موقعیت گروه اقلیت، استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری و رفتار باروری آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنانچه گروه اقلیتی که شانس ضعیفی برای تحرک اجتماعی رو به بالا دارد بخواهد ضمن حفظ موجودیت خود قدرتش را افزایش دهد، کمتر احتمال دارد که از وسایل پیشگیری از بارداری استفاده کند. در نتیجه، سطح باروری اقلیت‌ها بالاتر از گروه اکثریت خواهد ماند (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۳۷)؛ اما تمام اندیشمندان اجتماعی با این ادعا که می‌توان رفتار انسانی را با استفاده از نظریه اقتصاد نئوکلاسیک عقلانی تبیین کرد، موافق نیستند. در نتیجه، جست‌وجو برای تبیین‌های جایگزین آغاز شد و برای پُر کردن این خلأ تبیین‌های هنجاری فرهنگی باروری ارائه شد. از میان تبیین‌های هنجاری فرهنگی به فرضیه تأثیر قومی فرهنگی، فرضیه هنجارهای خرده فرهنگی و نظریه اشاعه استناد می‌شود.

نظریه اشاعه در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ در ادبیات پژوهشی جمعیتی توسط نودل و وندوال^۲ به کار گرفته شد و مورد توجه جمعیت‌شناسان قرار گرفت؛ زیرا نظریه‌هایی مثل "نظریه هزینه و منافع فرزندان، نظریه جریان ثروت بین نسلی^۳، نظریه برابری جنسیتی^۴، نظریه پاسخ چند وجهی^۵" که بر تصمیم‌گیریهای فردی در پاسخ به تغییرات اقتصادی و اجتماعی متکی بود، نتوانست به طور کامل انتقال باروری را در بسیاری از مناطق جهان تبیین کند (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۰۴). نظریه اشاعه نوآوری از گسترش فناوریهای جدید رفتار در جامعه بحث می‌کند. از آنجا که

1 - Goldscheider and Uhlenberg
2 - Knodel & Van De Wall
3 - Intergenerational Wealth Flows
4 - Gender Equity Theory
5 - The Theory of Multiphasic Response

این نظریه با گسترش افکار نو سر و کار دارد، بعضی وقتها در اشاره به آن از تعبیر اندیشه‌سازانه استفاده می‌کنند (لوکاس و میر، ۱۳۸۷: ۱۰۰). پرسش کلیدی در این چارچوب نظری این است که آیا گسترش افکار جدید به خودی خود برای تبیین کاهش باروری کافی است یا گسترش باید در ارتباط با سایر تغییرات اجتماعی قرار گیرد. اساس نظریه اشاعه این است که تنظیم خانواده و کنترل مولید نوعی نوآوری است که از فردی به فرد دیگر، از گروهی به گروه دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر گسترش می‌یابد. در سطح فردی وقتی پیشگیری از بارداری موجب کاهش باروری می‌شود، گسترش فکر پیشگیری از بارداری را باید بخشی از این فرایند در نظر گرفت. تردیدی نیست که وسایل گسترش و پذیرش پیشگیری از بارداری مثل برنامه تنظیم خانواده مورد حمایت دولت، این فرایند را تسریع می‌بخشد (عبّاسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۱). به طور کلی، نظریه اشاعه به تبیین چگونگی گسترش مفهوم تنظیم خانواده و کنترل مولید در جهان می‌پردازد. بر پایه این نظریه در کشورهایی که باروری کاهش یافته است، ایستارها و رفتاری که به محدودیت باروری منجر می‌شود ابتدا توسط گروه‌هایی از جمعیت شهری که موافقتر، ثروتمندتر و تحصیل کرده‌ترند اقتباس می‌شود و در طول زمان به گروه‌های میانی با منزلت پایین‌تر گسترش می‌یابد. پولاک و واتکینز^۱ نقش فرهنگ را در پذیرش نوآوری مهم ارزیابی می‌کنند و معتقدند بعضی از جوامع بیشتر از بقیه، مستعد پذیرش نوآوری هستند. بر خلاف رویکرد انتخاب عقلانی، که اغلب بر اهمیت تغییرات ساختاری تأکید می‌کند در رویکرد اشاعه استدلال می‌شود که وقتی افراد، اهمیت خانواده‌های کوچک را درک کنند، استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری را بپذیرند و باور کنند که اختیار زندگیشان تا اندازه‌ای دست خودشان است، کاهش باروری می‌تواند در وضعیت مختلف اقتصادی اجتماعی اتفاق بیفتد. رسانه‌های ارتباطی در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کنند (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۳۵).

رفتارهای باروری گروه‌های قومی در رویکرد تأثیر قومی فرهنگی در قالب ارزشها و هنجارهای خُرده فرهنگی تبیین می‌شود و معتقدند هر گروه قومی به دلیل ارزشهای فرهنگی خاص خود، رفتارهای باروری متفاوتی را تجربه می‌کند. در فرهنگ بعضی گروه‌های قومی ممکن است خانواده‌های بزرگ و پُر اولاد ارزش والایی داشته باشند یا روشهای معینی از کنترل مولید در میان آنها ممنوع شده باشد، به ترجیح فرزند پسر بر دختر گرایش زیادی باشد؛ زنان در تصمیم‌گیریهای

باروری استقلال کمتری داشته، و یا در رفتارهای باروری خود بشدت تقدیرگرا باشند (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۳۵). بر اساس این رویکرد، این‌گونه زمینه‌های قومی و فرهنگی می‌تواند تفاوت در رفتارها و نگرشهای باروری را تبیین کند. مذهب نیز به عنوان یک عامل فرهنگی از طریق هنجارهای مرتبط با اندازه خانواده، تعداد فرزندان، سن ازدواج و هنجارهای مرتبط با متغیرهای بینایی بر باروری تأثیر می‌گذارد (چمی^۱، ۱۹۸۱: ۳).

فرضیه تأثیرات خُرده فرهنگی یا الهیات ویژه^۲: منظور فرایندی است که در آن گروه‌های مذهبی آموزه‌هایی در زمینه استفاده نکردن از وسایل پیشگیری از بارداری و ممنوع و حرام بودن سقط جنین دارند و از طرفی داشتن فرزند زیاد را ارزش می‌دانند و باروری بیشتری نسبت به گروه‌هایی دارند که استفاده از وسایل جلوگیری را برای پیروان خود مجاز می‌شمارند (چمی ۱۹۸۱). در نتیجه در این فرضیه بر تأثیر خُرده فرهنگها در رفتارهای باروری گروه‌های قومی تأکید می‌شود (لوپز و صباغ، ۱۹۷۸: ۱۴۹۲). افراد گروه اقلیت در هر سطحی از موقعیت اقتصادی اجتماعی به دلایلی چون تمایل و تأکید بر حفظ هویت فرهنگی خود، یکپارچگی و انسجام فرهنگی قوی بین آنها و وجود نوعی خُرده فرهنگ موافق با افزایش مولید از میزان باروری بیشتری برخوردار هستند؛ بنابراین، تفاوت‌های باروری بین گروه‌های قومی در تمام سطوح اقتصادی و اجتماعی، حتی پس از کنترل تمام تفاوتها در ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی همچنان وجود خواهد داشت. در اینجا باروری زیاد گروه اقلیت بر حسب آرمانها و هنجارهای خُرده فرهنگی تبیین می‌شود. سورنسون^۳ بر این باور است که هنجارها و ارزشهای منحصر به فرد مربوط به تشکیل خانواده، بازتابی از تاریخ، فرهنگ و باورهای مشترک اعضای گروه‌های قومی بدون توجه به موقعیت اقتصادی و اجتماعی آنهاست. بنابراین، اعضای گروه‌های قومی در هر سطح از موقعیت اقتصادی و اجتماعی سطوح باروری متفاوتی را تجربه می‌کنند (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۳۸).

بیشتر پژوهشها در زمینه باروری، رفتارهای مرتبط با آن و پیامدهای این نوع رفتارها بر عوامل ساختاری تأکید کرده‌اند. تحقیقات محدودی به زمینه‌های مذهبی و فرهنگی پرداخته‌اند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. هاینک^۴ (۲۰۰۶) در بررسی رابطه مذهب و باروری با شواهدی از اتریش به این نتیجه رسید که وابستگی‌های مذهبی در میان زنان هر دو گروه مذهبی (پروتستان و

1 - Chamie

2 - The Particularized Theology Hypothesis

3 - Sorenson

4 - Heineck

کاتولیک) نسبت به سایر فرقه‌ها بیشتر و در نتیجه فرزندآوری بیشتری را تجربه می‌کنند. محمودیان و نویخت (۱۳۸۹) در بررسی تحلیل رفتار باروری گروه‌های سنی و شیعه شهر گله‌دار استان فارس نشان دادند که زنان سنی میزان باروری بیشتری نسبت به زنان شیعه داشته‌اند. هرچند بعد از ورود متغیرهای کنترل از تفاوت باروری دو گروه مذهبی کاسته شد، تفاوت باروری هم‌چنان معنی‌دار باقی ماند. این تفاوت می‌تواند از طریق پابندی به ارزشهای مذهبی و غیر مذهبی گروه خودی در مقابل گروه بیرونی تبیین شود. میسرا^۱ (۲۰۰۴) در مطالعه تفاوت باروری زنان مسلمان و غیر مسلمان در هند، عوامل اقتصادی و اجتماعی را تأثیرگذار نمی‌داند و به این اشاره می‌کند که باروری زنان مسلمان بیشتر تابع استفاده از روشهای موقتی در مقایسه با روشهای عقیم‌سازی، اعتماد بیشتر به خدمات بخش خصوصی و مخالفت با کنترل بارداری به دلایل مذهبی است. مطالعات طالب و گودرزی (۱۳۸۲) در استان سیستان و بلوچستان، بیانگر تفاوت نگرش گروه‌های قومی - مذهبی در مورد هنجارهای خانواده و رفتار باروری است به طوری که نگرش شیعیان (غیر بلوچها) به خانواده، حول محور ارزشهای فردگرایانه و استقلال خانواده با عملکرد جمعیتی کم است در حالی که اهل سنت (بلوچها) بیشتر به الگوهای سنتی ارزش خانوادگی گرایش دارند. حسینی (۱۳۸۴) در بررسی تعیین‌کننده‌های باروری دو گروه قومی کُرد و ترک در مناطق روستایی شهرستان قروه نشان داد که تفاوت معنی‌داری در سطح باروری مادران کُرد و ترک، پس از کنترل متغیر مذهب، وجود دارد. کلاتری و دیگران (۱۳۸۹) در بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن، که در میان جوانان متأهل شهر تبریز انجام دادند به این نتیجه رسیدند که مشارکت اجتماعی بر گرایش به فرزندآوری تأثیر کاهنده و گرایش مذهبی تأثیر افزایش‌دهنده دارد. پژوهشگران با استفاده از نرم‌افزار لیزرل به بررسی ساختاری متغیرهای تحقیق پرداخته‌اند که دینداری بیشترین اثر مستقیم و کلی را بر گرایش به فرزندآوری داشته است. هی فورد و مورگان^۲ (۲۰۰۸) با استفاده از داده‌های پیمایشی ملی رشد خانواده در امریکا نشان دادند که میزان باروری واقعی و تمایل به فرزنددار شدن در زنانی که معتقدند دین در زندگی روزمره خیلی مهم است از کسانی بیشتر است که معتقدند دین مهم نیست یا اهمیت کمتری دارد. هم‌چنین در پژوهش آنها مشاهده شد کسانی که دیندارترند، نگرشهای سنتی‌تری درباره نقشهای جنسیتی و

1 - Mishra

2 - Heyford and Morgan

خانواده دارند که باعث افزایش باروری می‌شود. ژانگ^۱ (۲۰۰۸) به بررسی تأثیرات وابستگی‌های دینی بر باروری زنان و مردان پرداخت. نتایج مطالعه او نشان داد که گرچه دینداری بویژه در بُعد اعتقادی بر باروری اثر مثبتی دارد، تفاوتی بین جنسیت‌ها به دست نیامد. سروش و بحرانی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان رابطه دینداری، نگرش به نقش‌های جنسیتی و نگرش به فرزند با تعداد واقعی و مطلوب فرزند به این نتیجه رسیدند که گرچه دینداری با تعداد واقعی فرزند رابطه معناداری دارد درباره تعداد مطلوب فرزند وفاق چشمگیری بین زنان متأهل وجود دارد و این امر با میزان دینداری آنها ارتباطی نداشته است. نتایج تحلیل چند متغیری نشان می‌دهد دینداری در تعیین تعداد فرزند سهم ناچیزی دارد و فقط ۱/۴ درصد از واریانس را تبیین می‌کند و تحصیلات به تنهایی تعیین‌کننده ۴۰ درصد از واریانس تعداد فرزندان است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که کاهش رشد جمعیت از عوامل فرهنگی نظیر فرایند جهانی‌شدن و چرخش ارزش‌های جمع‌گرایانه به فردگرایانه تأثیر پذیرفته است. راد و ثوابی (۱۳۹۴) در بررسی گرایش به باروری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن به این نتیجه رسیدند که باورهای مذهبی مهمترین عامل در گرایش به باروری زنان است به طوری که با توجه به یافته‌های رگرسیون چند متغیری، باورهای مذهبی با ۲۱ درصد بیشترین سهم را در میزان گرایش به باروری زنان دارد. حسینی، عسکری ندوشن و مرادی (۱۳۹۵) در بررسی تطبیقی تمایلات فرزندآوری زنان کُرد شیعه و سنی در مناطق روستایی شهرستان کامیاران به این نتیجه رسیدند که تمایل به فرزندآوری بیشتر در هر دو گروه مذهبی مورد بررسی، کم است؛ با وجود این، تمایلات فرزندآوری زنان اهل سنت از زنان شیعه کمی بیشتر است. ۶۴/۴ درصد از زنان سنی مذهب در مقابل ۶۲ درصد از زنان شیعه مذهب اظهار کرده‌اند که می‌خواهند یک فرزند دیگر به دنیا بیاورند. براناس گارزا و نیومن^۲ (۲۰۰۷) در بررسی تأثیرات دیندار بودن والدین و خود فرد بر رفتار باروری در ایتالیا و اسپانیا به این نتیجه رسیدند که در معرض دیندار بودن در دوران کودکی بر گرایش زنان بر فرزندآوری اثر عمیقی می‌گذارد. در اسپانیا، والدین تأثیرات متفاوتی بر دخترانشان دارند. در ایتالیا، مادران مذهبی دخترانی با بچه‌های کمتر دارند و دینداری پدران با تعداد فرزند دخترانشان ارتباطی ندارد. آنها به این نتیجه رسیدند که رابطه دینداری فرد با تعداد فرزندانشان در اسپانیا و ایتالیا معنادار نیست.

بنابراین با نگاهی به مطالعاتی که تاکنون صورت گرفته است، مشخص می‌شود که قریب به

1 - Zhang

2 - Branas - Garza and Neuman

اتفاق آنان بر مطالعه و شناسایی تأثیرات متغیرهای اقتصادی اجتماعی و جمعیتی بر باروری تأکید کرده‌اند. به نظر می‌رسد آنچه در همه این مطالعات مورد غفلت قرار گرفته، زمینه‌های فرهنگی اثرگذار بر باروری زنان است. از آنجا که هر نظریه مبین بخشی از واقعیت است، استفاده از رویکردهای نظری گوناگون و ترکیب آنها با یکدیگر این امکان را فراهم می‌سازد تا ابعاد بیشتری از مسئله مورد بررسی قرار گیرد. از این رو در این مقاله باروری زنان در چارچوب دو دسته از نظریه‌های انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری و نظریه‌های مرتبط با تبیین‌های هنجاری فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت. در هر حال، ارزشها و هنجارهای قومی و مذهبی به‌مثابه سرعتگیر بر سر راه نیروهای مرتبط با نوسازی و توسعه اقتصادی - اجتماعی عمل می‌کند. در نتیجه، زنان شیعه و سنی به دلیل ترکیبهای همگن و متجانس درون مذهبی با پیشامدگیهای متفاوت در معرض تأثیر این نیروها و عوامل تغییر قرار می‌گیرند. با توجه به آنچه بیان شد، فرضیات این مطالعه به این قرار است:

الف) به نظر می‌رسد باروری در میان زنان شیعه و سنی متفاوت است.

ب) بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و باروری زنان شیعه و سنی رابطه وجود دارد.

ج) بین ویژگیهای فرهنگی (گرایش به ترجیح جنسی، نگرش نسبت به هزینه فرزندان، پابندی به ارزشهای خانواده بزرگ، تقدیرگرایی در رفتار باروری و نگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت) و باروری زنان شیعه و سنی رابطه وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق حاصل پیمایشی است که در شهریور ماه ۱۳۹۴ در شهر سرپل ذهاب استان کرمانشاه انجام شد. اطلاعات از طریق پرسشنامه ساخت یافته گردآوری شد. جمعیت آماری و واحد تحلیل شامل تمام زنان شیعه و سنی ۱۵ تا ۴۹ ساله همسر دار ساکن در شهر سرپل ذهاب است که در داخل خانواده‌ها شناسایی شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. بر اساس اطلاعات مرکز بهداشت شهر سرپل ذهاب ۵۰ درصد جمعیت این شهر شیعه، ۳۸ درصد سنی و بقیه دیگر اقلیت‌ها هستند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۶۲ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری نیز ترکیبی از روشهای خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. هم‌چنین به منظور مقایسه و ارزیابی دقیق دو گروه مذهبی، نمونه‌ها از هر دو گروه با سهمی نسبتاً برابر انتخاب شد. بنابراین بر حسب شناختی که نگارنده از

شهر داشت بر حسب پایگاه اقتصادی اجتماعی کل شهر بین دو گروه مذهبی مورد بررسی به سه خوشه دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی قوی، متوسط و ضعیف تقسیم شد. با توجه به اینکه بیشتر بلوکها در خوشه متوسط قرار گرفتند در مرحله بعدی نمونه‌گیری تعداد بلوکهای منتخب از هر خوشه بر اساس حجم آنها انجام شد. برای انتخاب بلوکها در هر یک از خوشه‌ها، ابتدا بلوکهایی حذف شد که تعداد خانوارهای آن از هشت خانوار کمتر بود؛ سپس با توجه به اینکه در هر بلوک تنها هشت خانوار بررسی می‌شد از میان بلوکهای باقیمانده در هر خوشه، بلوکهایی به طور تصادفی و متناسب با حجم هر خوشه انتخاب شد؛ به این ترتیب از هر یک از خوشه‌های سه‌گانه چند بلوک متناسب با حجم آن خوشه انتخاب، و در مرحله بعد برای انتخاب خانوارها در هر بلوک به روش تصادفی سامانمند عمل شد.

پرسشنامه تحقیق این پیمایش شامل سه بخش بود. بخش اول دربرگیرنده ویژگی پاسخگویان بود. بخش دوم، باروری زنان را می‌سنجید. در نهایت، بخش سوم پرسشنامه نگرش زنان را نسبت به عوامل فرهنگی می‌سنجید. بخشی از سؤالات پرسشنامه با اقتباس از مطالعات قبلی در زمینه باروری در ایران (حسینی، ۱۳۸۷؛ احمدی و فیضی، ۱۳۹۳؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۱؛ حسینی و بگی، ۱۳۹۲) در پرسشنامه تحقیق گنجانده شد.

متغیرهای تحقیق شامل دو دسته متغیرهای مستقل و وابسته است. متغیر وابسته باروری زنان است که در سطح سنجش فاصله‌ای و از طریق پرسش درباره اینکه «شمار فرزندان در حال حاضر زنده شما چقدر است؟» اندازه‌گیری شده است. متغیرهای مستقل نیز به دو دسته ویژگیهای فرهنگی و پایگاه اقتصادی اجتماعی تقسیم شد. پایگاه اقتصادی اجتماعی با توجه به وضعیت اقتصادی اجتماعی منطقه، ترکیبی از متغیرهای تحصیلات، منزلت شغلی همسر، مالکیت مسکن و درآمد ماهانه خانوار است. نمره‌های هر یک از این متغیرها به نمره استاندارد تبدیل، و از مجموع آنها نمره پایگاه اقتصادی اجتماعی فرد محاسبه شد. ویژگیهای فرهنگی شامل (۱) گرایش به ترجیح جنسی (منظور از آن قائل بودن به برتری ذاتی، حقوقی، یا نهادی یک جنس نسبت به جنس دیگر است) (منصوریان و خوشنویس، ۱۳۸۵). این نگرش، که در بنیانها و ساختارهای اجتماعی فرهنگی جوامع ریشه دارد، عموماً در فرهنگهای سنتی به چشم می‌خورد. ایستارهایی از این دست به آسانی می‌تواند جنبه‌های مختلف رفتارهای فردی و اجتماعی افراد جامعه و از جمله رفتار باروری زنان را تحت تأثیر قرار دهد. (۲) نگرش نسبت به هزینه فرزندان (بیانگر نگرش زنان نسبت به هزینه‌هایی است که فرزندان می‌توانند برای والدین داشته باشند و دو بُعد اقتصادی و احساسی روانشناختی

دارد. منظور از هزینه اقتصادی و عملی فرزندان خدماتی است که والدین باید پردازند تا زمانی که به مرحله منفعت اقتصادی برسند و منظور از هزینه احساسی روانشناختی ابعاد غیر اقتصادی داشتن فرزند است) (حسینی، ۱۳۸۶: ۹۵). (۳) نگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت (شامل مجموعه اصول و تدابیری است که دولت برای افزایش مولید در نظر می‌گیرد؛ به عنوان مثال کمک نقدی به خانواده‌ها به منظور افزایش شمار مولید و حمایت از مادران در دوران بارداری؛ هم‌چنین حمایت مالی از خانواده‌ها به منظور فراهم کردن زمینه‌های لازم ادامه تحصیل فرزندانشان و به‌وجود آوردن تسهیلاتی در این زمینه) (حسینی، ۱۳۸۶). (۴) پایبندی به ارزشهای خانواده بزرگ (منظور از ارزش در علوم اجتماعی در کلی‌ترین کاربرد آن، هر موضوعی است که مورد نیاز، نگرش یا آرزویی باشد) (حسینی، ۱۳۸۷). ارزشهای حاکم در جامعه مرز بین خوب و بد را مشخص می‌کند؛ انسانها را به بعضی کارها ترغیب می‌کند و از برخی کارهای دیگر باز می‌دارد. (۵) تقدیرگرایی در رفتار باروری (مجموعه باورهایی است که افراد در مورد شانس، بخت و اقبال و عدم دخالت در تعیین سرنوشت دارند به طوری که اعتقاد به این گونه باورها، آنها را از تلاش برای تغییر اوضاع و موقعیت زندگی باز می‌دارد) (نوروزی و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۵۹)؛ به بیانی دیگر، اعتقاداتی است که فرد آن را از قبل تعیین شده می‌داند و تلاش برای تغییر وضع را بیهوده فرض می‌کند. پایایی این شاخصها پیشتر در پیمایش باروری در شهرستان ارومیه از طریق آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شده است (حسینی، ۱۳۸۷) و در این تحقیق نیز نتایج مشابهی از نظر پایایی شاخصها به دست آمد (جدول ۱).

جدول ۱: سنجش ویژگیهای فرهنگی پاسخگویان بر حسب گویه‌های پژوهش و مقدار آلفا

نام متغیر	گویه‌ها (بر اساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت)
گرایش به ترجیح جنسی (مقدار آلفا ۰/۷۷۰)	۱ - پسر عصای دست والدین است. ۲ - پسر باعث زنده نگهداشتن اسم و رسم خانوادگی می‌شود. ۳ - زنی که چند زایمان او دختر باشد برای اینکه پسری به دنیا بیاورد، حق دارد زایمانهای بعدی را تجربه کند. ۴ - پسر حافظ خانواده است و امنیت خانواده را حفظ می‌کند. ۵ - تحصیلات پسرها از تحصیلات دختران مهمتر است. ۶ - در جامعه امروز، نگرانیهایی که والدین در مورد فرزندان دختر دارند از فرزندان پسر بیشتر است. ۷ - در مجموع، فرزند پسر بیشتر از فرزند دختر طرفدار دارد (نمره‌های شاخص بین حداقل ۷ و حداکثر ۳۵ است).
نگرش نسبت به هزینه فرزندان (مقدار آلفا ۰/۷۷۵)	۱ - فرزند زیاد، والدین و بویژه مادر را از کارهایی که دوست دارد، باز می‌دارد. ۲ - داشتن فرزند زیاد موجب ایجاد فشارهای روحی و روانی برای والدین می‌شود. ۳ - فرزند زیاد باعث می‌شود والدین نتوانند آنها را خوب تربیت کنند. ۴ - با تولد فرزند، والدین احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند. ۵ - وقتی تعداد فرزندان زیاد باشد به تحصیلات و آموزش آنها لطمه وارد می‌شود. ۶ - فرزند زیاد باعث ایجاد فشار مالی بر خانواده می‌شود. ۷ - بچه‌ها مایه دردسر برای پدر و مادرند. ۸ - هزینه‌ای که بچه‌ها دارند از منفعتی که به خانواده می‌رسانند، بیشتر است. ۹ - کودکان توقعات زیادی دارند. ۱۰ - با هزینه‌های زندگی امروز، فرد بچه نداشته باشد راحت‌تر است. (نمره‌های شاخص بین حداقل ۱۰ و حداکثر ۵۰ است).
تقدیرگرایی در رفتار باروری (مقدار آلفا ۰/۷۴۰)	۱ - خداوند برکت را به خانه‌ای می‌فرستد که تعداد فرزندان آن زیاد است. ۲ - فرزند زیاد نشانه عشق و مهر خداوند به بندگانش است. ۳ - درست است که می‌گویند هر آن که دندان دهد، نان دهد. ۴ - جلوگیری از بارداری دخالت در کار خداوند است. ۵ - تولد فرزند به اراده و مشیت خداوند بستگی دارد. (نمره‌های شاخص بین حداقل ۵ و حداکثر ۲۵ است).
پایبندی به ارزشهای خانواده بزرگ (مقدار آلفا ۰/۷۸۰)	۱ - بعضی بر این باورند زن و شوهرهایی که پس از ازدواج بچه‌دار نمی‌شوند، اجاقشان کور است. ۲ - زنی که در همان سال اول ازدواج باردار شود و بچه‌های بیشتری را به دنیا بیاورد، مایه سرفرازی شوهر و خانواده است. ۳ - فرزندان به برادر و خواهر نیاز دارند. ۴ - خانواده‌ها برای افزایش قدرت قوم و طایفه خود باید فرزندان زیادی به دنیا آورند. ۵ - والدین باید فرزندان زیادی داشته باشند تا در دوران پیری تنها نباشند. ۶ - داشتن فرزند زیاد باعث می‌شود والدین از منزلت اجتماعی خوبی برخوردار باشند. (نمره‌های شاخص بین حداقل ۶ و حداکثر ۳۰ است).
نگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت (مقدار آلفا ۰/۷۲۵)	۱ - اگر دولت تسهیلاتی مثل بیمه کردن فرزند، کمک نقدی، آموزش رایگان و... در نظر گیرد، تمایل دارم فرزند بیشتری به دنیا آورم. ۲ - اگر دولت برای تولد فرزند بعدی تشویق مالی در نظر گیرد، تمایل دارم فرزند دیگری به دنیا آورم. ۳ - بدون توجه به بسته‌های تشویقی دولت برای افزایش موالید، تمایل دارم فرزند دیگری داشته باشم. (نمره‌های شاخص بین حداقل ۳ و حداکثر ۱۵ است).

یافته‌ها

نتایج تحقیق در دو بخش ارائه می‌شود: ابتدا به ویژگیهای اقتصادی اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی جمعیت نمونه پرداخته می‌شود؛ آن‌گاه باروری زنان ارائه می‌شود؛ سپس، نتایج تحلیلهای

دو متغیره ذکر، و در پایان با استفاده از شیوه رگرسیون چند متغیری به تحلیل باروری زنان پرداخته می‌شود.

ویژگیهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی: بر پایه این بررسی، میانگین سن زنان شیعه و سنی هنگام بررسی به ترتیب ۳۳/۵ و ۳۱/۲ سال و میانگین سن ازدواج نیز به ترتیب ۲۳/۳ و ۲۱/۶ سال بوده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، میانگین سن زنان هنگام بررسی و سن ازدواج برای زنان سنی نسبت به زنان شیعه کمتر و ازدواج خویشاوندی در میان زنان سنی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است به گونه‌ای که در میان زنان سنی مذهب ۵۴ درصد ازدواجها فامیلی و درصد متناظر برای زنان شیعه ۴۶ درصد بوده است. هم‌چنین حدود ۷۸ درصد از زنان شیعه از وسایل پیشگیری از باروری استفاده می‌کردند در صورتی که این آمار برای زنان سنی کمتر از ۶۵ درصد بوده است.

یافته‌ها از عمومیت نسبتاً زیاد سواد و تحصیلات در میان پاسخگویان بویژه شیعیان حکایت دارد. تنها ۱۲/۲ درصد از زنان شیعه بیسواد بوده‌اند؛ اما این رقم برای زنان سنی ۲۶ درصد بوده است. تحلیل‌های بیشتر نشان می‌دهد که وضعیت سواد و سطح تحصیلات زنان در طول زمان به‌طور چشمگیری بهبود یافته است به طوری که برای هر دو گروه از زنان شیعه و سنی هنگام بررسی، تحصیلات عالی به ترتیب به ۲۸ و ۲۱ درصد در دهه ۱۳۸۰ به بعد رسیده است. هم‌چنین، توزیع زنان بر حسب میانگین درآمد ماهانه خانواده نشان داد که برای هر دو گروه مذهبی (شیعه و سنی) به ترتیب میانگین درآمد ۸۲۵ و ۸۰۰ هزار تومان است که بیانگر تفاوت چشمگیری بین این دو گروه از زنان است.

باروری زنان: اطلاعات جدول ۲ توزیع شمار فرزندان را بر حسب گروه‌های مذهبی نشان می‌دهد. میانگین شمار فرزندان زنان شیعه و سنی به ترتیب ۱/۹۱ و ۲/۵۶ فرزند است که این رقم برای زنان سنی بیشتر است و تنها ۸/۲۸ درصد از زنان شیعه در مقابل ۳/۹ درصد از زنان سنی بدون فرزند بوده‌اند. همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد، میانگین سن ازدواج برای زنان سنی از زنان شیعه کمتر بوده است؛ در نتیجه زمان فرزندآوری زنان سنی از زنان شیعه طولانی‌تر است و متقابلاً تفاوت‌های باروری بین این دو گروه مذهبی بیشتر می‌شود.

جدول ۲: تعداد فرزندان زنان بر حسب گروه‌های مذهبی، شهر سرپل ذهاب (۱۳۹۴)

سنّی		شیعه		شمار فرزندان در زمان تحقیق
فراوانی		فراوانی		
نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	
۳/۹	۷	۸/۲۸	۱۵	بدون فرزند
۲۵/۴	۴۶	۳۳/۱۴	۶۰	۱
۲۰/۴	۳۷	۲۶/۵	۴۸	۲
۲۴/۹	۴۵	۲۱/۰۴	۳۸	۳
۲۵/۴	۴۶	۱۱/۰۴	۲۰	۴ و بیشتر
۱۰۰/۰	۱۸۱	۱۰۰/۰	۱۸۱	جمع

ویژگیهای فرهنگی: بررسی ویژگیهای فرهنگی زنان نشان داد که میانگین نمره‌های شاخصهای گرایش به ترجیح جنسی، پابندی به ارزشهای خانواده بزرگ، تقدیرگرایی در رفتار باروری و نگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت برای زنان سنّی مذهب از زنان شیعه بیشتر است اما در مقابل، ارزیابی زنان شیعه از هزینه‌های فرزندان اعم از هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی و روانی نسبت به زنان سنّی بیشتر است (جدول ۳).

جدول ۳: میانگین نمره‌های ویژگیهای فرهنگی پاسخگویان بر حسب گروه‌های مذهبی

میانگین نمره‌های شاخصها		متغیر
سنّی	شیعه	
۲۲/۱۷	۱۹/۴۶	گرایش به ترجیح جنسی
۱۳/۶۲	۱۵/۹۲	نگرش نسبت به هزینه‌های فرزندان
۱۹/۳۵	۱۸/۶۵	پابندی به ارزشهای خانواده بزرگ
۱۹/۵۹	۱۷/۱۸	تقدیرگرایی در رفتار باروری
۵/۳	۴/۱	نگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت

تحلیل دو متغیره گروه‌های مذهبی و باروری زنان: جدول ۴ میزان باروری کل زنان را نشان می‌دهد. همان‌گونه که این اطلاعات نشان می‌دهد، نتایج آزمون میانگین‌ها گویا است که تفاوت آماری معنی‌داری بین باروری زنان شیعه (۱/۹۱ فرزند) و سنّی (۲/۵۶ فرزند) شهر سرپل ذهاب وجود دارد. چنین وضعیتی که حاصل تفاوت‌های اعتقادی و فرهنگی گروه‌های مذهبی است،

می‌تواند ورای همگراییهای اقتصادی و اجتماعی، نگرشها و رفتارهای مرتبط با فرزندآوری و باروری را تحت تأثیر قرار دهد. در واقع، این یافته‌ها تأییدکننده اطلاعات توصیفی زنان بر حسب وضعیت اقتصادی (میانگین درآمد ماهانه خانواده) پاسخگویان است که نشان داد تفاوت چشمگیری از نظر درآمد بین این دو گروه مذهبی از زنان وجود ندارد.

جدول ۴: نتایج آزمون T بین گروه‌های مذهبی و باروری

متغیر وابسته	مذهب	تعداد مشاهدات	میانگین	درجه آزادی	مقدار T	سطح معنی‌داری
باروری زنان	شیعه	۱۸۱	۱/۹۱	۳۴۶	-۴/۵۶۶	۰/۰۰۲
	سنّی	۱۸۱	۲/۵۶			

رابطه متغیرهای مورد مطالعه و باروری گروه‌های مذهبی: از آنجا که بقیه متغیرهای مستقل پژوهش در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است برای بررسی بقیه فرضیات تحقیق، که مدعی رابطه متغیرهای مختلف با باروری گروه‌های مذهبی زنان بود از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج این آزمونها در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵ نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل پژوهش با باروری را به تفکیک برای زنان شیعه و سنّی نشان می‌دهد. همان‌گونه که اطلاعات جدول بیان می‌کند، بین گرایش به ترجیح جنسی و باروری در هر دو زیر نمونه مورد مطالعه رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد به گونه‌ای که پاسخگویانی که ترجیح جنسی بیشتری دارند، باروری بیشتری دارند. معمولاً، مهمترین دلیل گرایش به ترجیح جنسی، تنوع نقشها و مشاغل اجتماعی اختصاص یافته به جنس پسر است. بویژه در حوزه مسائل خانوادگی نیز، نقش پسران در سرپرستی والدین در دوره‌های پیری، حفظ نام و القاب خانوادگی و مواردی از این دست، مهمترین دلایل برتری نسبی پسران بر دختران را تشکیل می‌دهد.

جدول ۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل پژوهش و باروری زنان

مقدار ضریب پیرسون		مقدار ضریب پیرسون		متغیرهای مستقل
سطح معنی‌داری	سنّی	سطح معنی‌داری	شیعه	
۰/۰۰۰	۰/۳۰۶	۰/۰۰۱	۰/۲۲۶	گرایش به ترجیح جنسی
۰/۰۰۲	۰/۱۵۵	۰/۸۹۰	-۰/۰۰۹	نگرش به بسته‌های تشویقی دولت
۰/۰۰۰	-۰/۳۹۱	۰/۰۰۳	-۰/۱۴۵	نگرش نسبت به هزینه فرزندان
۰/۰۰۰	۰/۴۸۴	۰/۰۰۰	۰/۳۳۹	تقدیرگرایی در رفتار باروری
۰/۰۰۰	۰/۴۷۸	۰/۰۰۰	۰/۳۷۰	پابندی به ارزشهای خانواده بزرگ
۰/۰۰۰	-۰/۵۰۵	۰/۰۰۰	-۰/۲۶۲	پایگاه اقتصادی اجتماعی

همان‌گونه که اطلاعات جدول ۵ نشان می‌دهد، رابطه نگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت برای افزایش مولید و باروری گروه‌های مذهبی برای زنان سنّی تأیید شد و برای زنان شیعه مورد تأیید قرار نگرفت. با توجه به این نتایج، انتظار نمی‌رود سیاستهای جمعیتی در راستای تشویق مولید به افزایش باروری در همه لایه‌های اجتماعی منجر شود. این امر باید مورد توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان جمعیتی قرار گیرد؛ چرا که نمی‌توان نسخه واحدی از برنامه‌ریزیها را برای همه زنان تجویز کرد. این دو دسته از زنان (شیعه و سنّی) نگرشها و رفتارهای متفاوتی از خود نسبت به باروری نشان خواهند داد؛ بنابراین، این سیاستها باید بر مبنای نیازهای مردم و اولویتهای جمعیتی تدوین شود.

بررسی نتایج مربوط به آزمون رابطه نگرش نسبت به هزینه فرزندان و باروری گروه‌های مذهبی نشان می‌دهد که رابطه منفی و معکوسی بین این دو متغیر وجود دارد به گونه‌ای که هرچه ارزیابی زنان از هزینه‌های فرزندان بیشتر باشد، باروری آنها کمتر است. هزینه فرزندان از جمله عواملی است که بر تصمیم‌گیری والدین در مورد باروری آنان و در نهایت شمار فرزندان تأثیر می‌گذارد. لیکنشتاین بر فرایند تصمیم‌گیری عقلایی زوجین در مورد داشتن فرزند تأکید می‌کند. بنابراین والدین با تولد بچه، باید در مواردی چون تعلیم و تربیت فرزندان و نیز نگهداری و مراقبت از آنها تا زمانی که به مرحله منفعت اقتصادی برسند به‌طور مستقیم هزینه کنند. علاوه بر این، هزینه‌های غیرمستقیم نیز به فرصتهایی مربوط است که مادر به دلیل نگهداری طفل خویش از دست خواهد داد. در نتیجه در جامعه مورد بررسی، چون هزینه فرزندان اعم از هزینه‌های اقتصادی و احساسی روانشناختی از منافع آنها بیشتر است، زوجین انگیزه‌ای برای داشتن فرزند بیشتر ندارند.

بر پایه این بررسی، بین تقدیرگرایی در رفتارهای باروری و باروری زنان شیعه و سنی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. در واقع، تقدیرگرایی یکی از عوامل فرهنگی است که می‌تواند بر باروری زنان اثرگذار باشد؛ چرا که برخی از افراد معتقدند خداوند برکت را به خانه‌ای می‌فرستد که تعداد فرزندان آن زیاد است؛ هر آن کس که دندان دهد، نان دهد؛ توکد فرزند به اراده و مشیت خداوند بستگی دارد. شیوع این باورها آن‌گونه که نتایج تحقیق نشان می‌دهد با افزایش باروری زنان مرتبط است. هم‌چنین، شدت همبستگی برآورد شده برای زنان سنی بمراتب از زنان شیعه قویتر است.

نتایج جدول ۵ هم‌چنین نشان می‌دهد که بین پابندی به ارزشهای خانواده بزرگ و باروری گروه‌های مذهبی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. پابندی زنان به ارزشهای خانواده بزرگ به عنوان یک ویژگی فرهنگی تأثیرگذار است؛ چرا که برخی از زنان معتقدند فرزندان به برادر و خواهر نیاز دارند؛ زن و شوهرهایی که پس از ازدواج بچه‌دار نمی‌شوند، اجاقشان کور است و شیوع باورهایی از این نوع می‌تواند عامل تعیین‌کننده‌ای در فرزندآوری زنان باشد. ارتباط این ویژگی فرهنگی با باروری نیز همانند بیشتر ویژگیهای فرهنگی دیگری که در پژوهش، تحت مطالعه بود در بین زنان سنی از زنان شیعه قویتر است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و باروری گروه‌های مذهبی زنان رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد؛ بنابراین با بالا رفتن سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی معمولاً جهانبینی‌ها و نوع نگرش زنان نسبت به زندگی دگرگون می‌شود و افراد خواهان سطح زندگی مطلوب و نسبتاً خوبی برای خود و فرزندان خود می‌شوند. در این میان، تحصیلات نه تنها موجب افزایش تواناییهای شناختی و تغییرات نگرشی در افراد و خانواده‌ها می‌شود، بلکه با گشودن فرصت‌های اقتصادی زمینه تحرک اجتماعی را فراهم می‌سازد و بر تصمیم‌گیری افراد برای داشتن خانواده‌ای کوچکتر تأثیر می‌گذارد.

تحلیل چندمتغیری: جدول ۶ رگرسیون چند متغیری تأثیر متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی بر باروری زنان شیعه تأثیر معکوس و معنی‌داری دارد؛ اما متغیرهای تقدیرگرایی در رفتارهای باروری و پابندی به ارزشهای خانواده بزرگ تأثیر مستقیم و معنی‌داری دارد؛ به عبارتی هر چه پابندی به ارزشهای خانواده بزرگ و تقدیرگرایی در رفتارهای باروری افزایش یابد، باروری نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۶: رگرسیون چند متغیری تأثیر متغیرهای مستقل بر باروری گروه‌های مذهبی

سنّی		شیعه		ویژگی
سطح معنی‌داری		سطح معنی‌داری		متغیرهای مستقل
۰/۰۵۰	۰/۱۰۰	۰/۲۷۴	۰/۰۷۴	گرایش به ترجیح جنسی
۰/۵۲۰	-۰/۰۳۱	۰/۲۵۶	-۰/۰۷۰	نگرش به بسته‌های تشویقی دولت
۰/۱۶۷	-۰/۰۸۲	۰/۴۱۳	-۰/۰۵۰	نگرش نسبت به هزینه فرزندان
۰/۰۰۱	۰/۲۳۶	۰/۰۰۲	۰/۱۸۱	تقدیرگرایی در رفتار باروری
۰/۰۰۵	۰/۱۷۱	۰/۰۰۱	۰/۲۸۳	پایبندی به ارزشهای خانواده بزرگ
۰/۰۰۰	-۰/۳۶۶	۰/۰۰۰	-۰/۲۲۳	پایگاه اقتصادی اجتماعی
	۰/۶۳۵		۰/۴۷۲	ضریب همبستگی R
	۰/۴۰۳		۰/۲۲۳	ضریب R ²
	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	معنی‌داری آزمون F

نکته دیگر اینکه در گروه زنان شیعه مذهب، سایر متغیرهای مستقلی که قبلاً رابطه آماری معناداری را در تحلیل دو متغیره نشان داده بود، پس از کنترل همزمان و چند متغیری، معناداری خود را از دست داد. ملاحظه ضرایب بتای برآورده شده برای زنان سنّی مذهب نیز نشان می‌دهد که در این معادله رگرسیونی نیز متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی، مشابه نتایج به دست آمده برای زنان شیعه مذهب دارای تأثیری معنادار، و جهت ارتباط نیز با آن نتایج همسو است؛ اما علاوه بر این متغیر بین زنان سنّی مذهب، متغیرهای ترجیح جنسی، تقدیرگرایی در رفتارهای باروری و پایبندی به ارزشهای خانواده بزرگ تأثیر مستقیم و معناداری را در تحلیل چند متغیری برای این گروه از زنان نشان می‌دهد.

در مجموع نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری نشان داد که مقدار ضریب تعیین تعدیل یافته برای زنان شیعه و سنّی مذهب به ترتیب ۰/۲۰۱ و ۰/۳۹۰، و نشان‌دهنده این است که به ترتیب ۲۰/۱ و ۳۹ درصد از کل تغییرات باروری زنان شیعه و سنّی مذهب شهر سرپل ذهاب وابسته به متغیرهای مستقل وارد شده در این معادله است.

تحلیل چند متغیری تعداد فرزندان زنان: برای تحلیل چند متغیری تعداد فرزندان زنان، کل متغیرهایی که در تحلیل روابط دو متغیره ارتباط معناداری با متغیر وابسته داشت، وارد معادله شد (جدول ۷). این محاسبه رگرسیونی به روش گام به گام صورت گرفته و نشان‌دهنده متغیرهای

باقیمانده در الگو است. در الگوی اول، متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی وارد معادله شد که مقدار بتای آن برابر ۰/۲۸۱- است که بدان معناست که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در این متغیر، تعداد فرزندان زنان به اندازه ۰/۲۸۱ انحراف استاندارد کاهش می‌یابد. در الگوی دوم پابندی به ارزشهای خانواده بزرگ وارد معادله شد که مقدار بتای آن ۰/۲۰۹- است. الگوی سوم نشان می‌دهد که متغیر مذهب با مقدار بتای ۰/۱۳۴- پس از پایگاه اقتصادی اجتماعی و پابندی به ارزشهای خانواده بزرگ نسبت به دیگر متغیرها اثر بیشتری دارد. در واقع پس از کنترل تمام متغیرها، مذهب اثر معناداری دارد؛ هر چند شدت آن نسبت به دو متغیر اول به اندازه قابل توجهی کاسته شده است. در الگوی چهارم با ورود تقدیرگرایی در رفتار باروری در معادله شدت رابطه مذهب و باروری کاهش یافت. هم چنین ضریب R^2 تعدیل یافته این الگو نشان می‌دهد که متغیرهای الگو توانسته است ۲۰/۷ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند.

جدول ۷: رگرسیون چند متغیری عوامل مؤثر بر تعداد فرزندان زنان (متغیرهای باقیمانده در الگو)

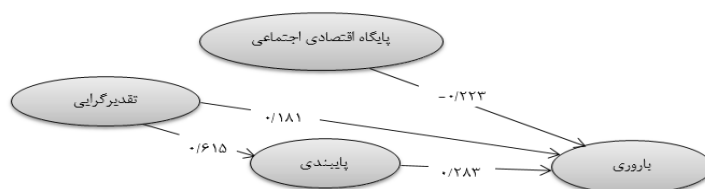
الگو	متغیر	B	Beta	t	Sig	ضرایب همبستگی
۱	عدد ثابت	۱/۰۱		۴/۱۰	۰/۰۰۰	R=۰/۲۸۱
	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۰/۰۵۷	-۰/۲۸۱	۵/۹۸	۰/۰۰۰	Rsquare=۰/۱۰۳ Adj Rsquare=۰/۱۰۱
۲	عدد ثابت	۰/۷۴۴		۳/۹۶	۰/۰۰۰	R= ۰/۳۲۴
	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۰/۰۵۴	-۰/۲۵۹	۵/۹	۰/۰۰۰	Rsquare=۰/۱۵۴
	پابندی به ارزشهای خانواده بزرگ	۰/۰۵۵	۰/۲۰۹	۴/۰۱	۰/۰۰۰	Adj Rsquare=۰/۱۵۲
۳	عدد ثابت	۰/۶۲۲		۳/۱۳	۰/۰۰۰	R= ۰/۳۵۹
	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۰/۰۴۹	-۰/۲۳۴	۵/۷۲	۰/۰۰۰	Rsquare=۰/۱۸۳
	پابندی به ارزشهای خانواده بزرگ مذهب	۰/۰۵۱ ۰/۰۳۸	۰/۱۹۳ ۰/۱۳۴	۳/۵۹ ۲/۸۱	۰/۰۰۰ ۰/۰۰۳	Adj Rsquare=۰/۱۸۰
۴	عدد ثابت	۰/۳۱۱		۳/۳۵	۰/۰۰۰	R= ۰/۳۸۱
	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۰/۰۳۶	-۰/۲۲۱	۵/۸	۰/۰۰۰	Rsquare=۰/۲۱۰
	پابندی به ارزشهای خانواده بزرگ مذهب تقدیرگرایی در رفتار باروری	۰/۰۴۷ ۰/۰۳۴ ۰/۰۲۳	۰/۱۸۱ ۰/۱۲۳ ۰/۱۱۹	۳/۲۷ ۲/۳۲ ۲/۰۸	۰/۰۰۱ ۰/۰۲۱ ۰/۰۲۸	Adj Rsquare=۰/۲۰۷

تحلیل مسیر: به منظور ارزیابی کاملتر روابط مستقیم و غیر مستقیم بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق از شیوه تحلیل مسیر استفاده شد. جدول ۸ تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم و کل متغیرهای مستقل بر باروری گروه‌های مذهبی زنان و شکلهای ۱ و ۲ نیز دیاگرام ارتباط متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. براساس اطلاعات جدول در زمینه روابط مستقیم و غیر مستقیم باروری گروه‌های مذهبی زنان شیعه، دو متغیر تقدیرگرایی در رفتار باروری و پابندی به ارزشهای خانواده بزرگ رابطه مستقیم و معنی‌داری را نشان می‌دهد. همان‌گونه که یافته‌های قبلی نیز نشان داد، زنانی که تقدیرگرایی بیشتری در رفتارهای باروریشان داشته، و به ارزشهای خانواده بزرگتر پابند بوده‌اند، باروری بیشتری داشتند و در مقابل، متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی رابطه معکوس و معنی‌داری را نشان می‌دهد؛ بدان معنا که با افزایش پایگاه خانواده‌ها نگرش آنها به رفتارهای باروری و نهایتاً باروری کاهش می‌یابد.

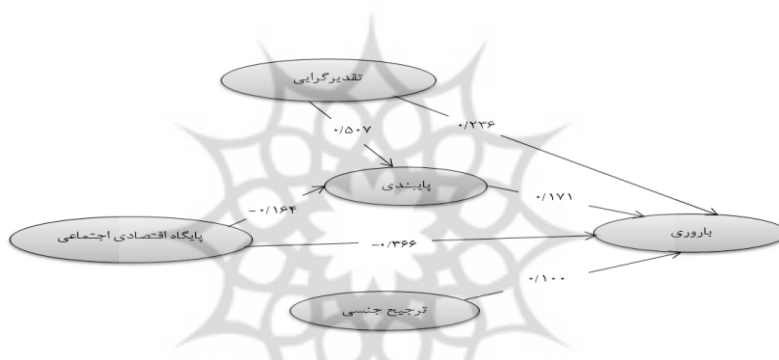
بررسی روابط مستقیم و غیر مستقیم متغیرها در میان زنان سنی نیز نشان داد که چهار متغیر ترجیح جنسی، تقدیرگرایی در رفتارهای باروری، پابندی به ارزشهای خانواده بزرگ و پایگاه اقتصادی اجتماعی در مجموع بیشترین تأثیر را بر باروری زنان دارد. البته بخشی از تأثیرگذاری این چهار متغیر به صورت تأثیرات مستقیم و بخشی دیگر از آن به صورت غیر مستقیم بوده است. بر اساس روابط ترسیم شده در دیاگرام ۱ و ۲ و ضرایب برآورد شده در جدول ۸ به نظر می‌رسد که برای هر دو گروه از زنان مورد مطالعه متغیر پابندی به ارزشهای خانواده بزرگ به عنوان متغیر واسطی عمل می‌کند که بخشی از روابط غیر مستقیم دیگر متغیرهای مستقل از طریق آن تبیین می‌شود.

جدول ۸: تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم و کل متغیرهای مستقل بر باروری گروه‌های مذهبی زنان

باروری زنان سنی			باروری زنان شیعه			متغیرهای مستقل
نوع اثر			نوع اثر			
کل	غیر مستقیم	مستقیم	کل	غیر مستقیم	مستقیم	
۰/۱۰۰	۰	۰/۱۰۰	۰	۰	۰	گرایش به ترجیح جنسی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	نگرش به بسته‌های تشویقی دولت
۰	۰	۰	۰	۰	۰	نگرش نسبت به هزینه فرزندان
۰/۳۲۲	۰/۰۸۶	۰/۲۳۶	۰/۲۶۷	۰/۱۷۴	۰/۱۸۱	تقدیرگرایی در رفتار باروری
۰/۱۷۱	۰	۰/۱۷۱	۰/۲۸۳	۰	۰/۲۸۳	پابندی به ارزشهای خانواده بزرگ
-۰/۳۹۴	-۰/۰۲۸	-۰/۳۶۶	-۰/۲۲۳	۰	-۰/۲۲۳	پایگاه اقتصادی اجتماعی



شکل ۱: الگوی تجربی عوامل مؤثر بر باروری زنان شیعه



شکل ۲: الگوی تجربی عوامل مؤثر بر باروری زنان سنی

بحث و نتیجه گیری

تأکید بر تعیین کننده بودن ساختار اقتصادی - اجتماعی، ویژگیهای اجتماعی و عوامل بینابینی موجب شد تا برخی عوامل همانند عوامل فرهنگی کمتر مورد توجه قرار گیرد. در واقع، رفتارهای باروری زنان ضمن اینکه تابع سیاستگذاریهای مستقیم است از زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی جامعه نیز تأثیر می‌پذیرد. تغییرات باروری در طول سه دهه گذشته در ایران گواه این ادعا است. هم‌چنین برآوردها نشان می‌دهد که امروزه در ایران باروری زیر سطح جایگزینی فراگیر شده است و می‌توان گفت هدف برنامه تنظیم خانواده در زمینه تعدیل میزان رشد جمعیت سالانه و کنترل مولید، حتی زودتر از زمان پیش‌بینی شده، محقق شده است. اگرچه بازنگری در سیاست جمعیتی مصوب سالهای اواخر دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ در دستور کار سیاستگذاران و برنامه‌ریزان قرار گرفته است، هنوز به طور رسمی هیچ هدف جمعیتی جدید و مشخصی برای آینده وجود ندارد. با توجه به این تغییرات لازم است عواملی که رفتار باروری زنان

گروه‌های مذهبی و دیگر زیر گروه‌های مختلف جمعیتی را برای داشتن فرزند تحت تأثیر قرار می‌دهد، شناسایی کرد و آن را منبای سیاستگذاری جمعیتی قرار داد.

یافته‌های تحقیق افزایش میزان باروری زنان سنی (۲/۵۶ فرزند) نسبت به زنان شیعه (۱/۹۱ فرزند) و معنادار بودن این تفاوت را نشان داد. هر چند میزان باروری در هر دو گروه کم است، زنان سنی مذهب در مقایسه با هم‌تایان شیعه مذهب خود فرزندآوری بیشتری را تجربه کرده‌اند. این تفاوتها را می‌توان بیانگر ویژگیهای متفاوت افراد دانست که ناشی از عوامل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی است. این نتایج با بررسیهای (حسینی، عسکری ندوشن، و مرادی، ۱۳۹۵؛ محمودیان و نوبخت، ۱۳۸۹؛ طالب و گودرزی، ۱۳۸۲) همسو است که نشان دادند بین گروه‌های مذهبی (شیعه و سنی) در سنین باروری در بسترهای مختلف اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در ایران تفاوت وجود دارد. هم‌چنین تحلیلهای بیشتر نشان داد که ۸/۲۸ درصد از زنان شیعه بدون فرزند و در مقابل ۱۱/۰۴ درصد نیز بیش از ۴ فرزند داشته‌اند. این ارقام برای زنان سنی مذهب به ترتیب ۳/۹ و ۲۵/۴ درصد بوده است. تحلیلهای دو متغیره نیز نشان داد که همه متغیرهای مورد مطالعه بجز نگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت برای زنان شیعه، رابطه معناداری را بین دو گروه مذهبی نشان می‌دهد. هم‌چنین تحلیل چند متغیری تعداد فرزندان نشان داد که با کنترل تمام متغیرهای مستقل، مذهب تأثیر معنادار خود را حفظ کرده است هر چند شدت این رابطه با کنترل دیگر متغیرها کاهش یافته است؛ بنابراین، معنی دار بودن تعداد فرزندان زنان شیعه و سنی بعد از کنترل متغیرها، توانایی فرضیه الهیات ویژه را در تبیین تفاوت باروری این دو گروه مذهبی آشکار می‌کند. در این فرضیه اعتقاد بر این است که بودن یا نبودن اعتقادات خاص مذهبی درباره پیشگیری از بارداری، سقط جنین و بُعد خانوار، نگرش و رفتارهای باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همان‌طور که در مقاله مشاهده شد، میزان درک زنان دو گروه مذهبی از کنترل موالید و روشهای پیشگیری متفاوت است. علاوه بر این، این فرضیه می‌تواند شامل تأثیرات غیر مستقیم اعتقادات بر رفتار باروری باشد؛ مانند اعتقاداتی که با نقشهای اجتماعی و خانوادگی زنان سر و کار دارد. در این مقاله در تحلیلهای دو متغیره و چند متغیری تقدیرگرایی در رفتار باروری برای هر دو گروه مذهبی مورد بررسی معنادار شد. بنابراین، زنانی که باروری و فرزندآوری را سرنوشت مختوم خود می‌دانند و کوچکترین دخالت را در این زمینه گناه و یا ناپسند می‌پندارند، باروری بیشتری را تجربه می‌کنند؛ چرا که برخی از آنان معتقدند که جلوگیری از بارداری دخالت در کار خداوند است؛ هر آن کس که دندان دهد، نان دهد و... گسترش این باورها می‌تواند باروری زنان

را در میان زیر گروه‌های مختلف جمعیتی تحت تأثیر قرار دهد. این نتایج با یافته‌های راد و ثوابی (۱۳۹۵) همسو است که معتقد بودند باورهای مذهبی مهمترین عامل در گرایش به باروری زنان است.

از این رو، نگرش متفاوت نسبت به وظایف زن، انگیزه‌های افراد را برای داشتن فرزند تحت تأثیر قرار می‌دهد. زنان سنی در مقایسه با زنان شیعه، ممکن است بیشتر به وظایف مادری زن توجه و بر وظایف فرزندآوری و تربیت فرزند تأکید بیشتری کنند. مطابق با رویکرد تأثیر قومی فرهنگی، که در قالب ارزشها و هنجارهای خُرده فرهنگی رفتارهای باروری گروه‌های قومی تبیین می‌شود، هر گروه قومی به دلیل ارزشهای فرهنگی خاص خود، رفتارهای باروری متفاوتی را تجربه می‌کند. در فرهنگ بعضی گروه‌های قومی ممکن است خانواده‌های بزرگ و پُر حجم ارزش والایی داشته باشند یا روشهای معینی از کنترل موالید در میان آنها ممنوع شده باشد؛ گرایش زیادی به ترجیح فرزند پسر بر دختر وجود داشته باشد و یا در رفتارهای باروریشان به شدت تقدیرگرا باشند. یافته‌های مطالعه نیز نشان داد که از میان متغیرهای تحت بررسی، در مجموع، ارزیابی زنان سنی از تقدیرگرایی در رفتارهای باروری و پابندی به ارزشهای خانواده بزرگ نسبت به زنان شیعه تعیین‌کننده‌تر بوده و این نتایج با یافته‌های "احمدی و فیضی، ۱۳۹۳؛ حسینی، ۱۳۸۴؛ طالب و گودرزی ۱۳۸۲" همسو است. بر اساس نظریه اشاعه، تنظیم خانواده و کنترل موالید نوعی نوآوری است که از فردی به فرد دیگر، از گروهی به گروه دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر گسترش می‌یابد. در سطح فردی وقتی پیشگیری از بارداری موجب کاهش باروری می‌شود، گسترش فکر پیشگیری از بارداری را باید بخشی از این فرایند در نظر گرفت. تردیدی نیست که وسایل گسترش و پذیرش پیشگیری از بارداری مثل برنامه تنظیم خانواده مورد حمایت دولت، این فرایند را تسریع می‌بخشد (عبّاسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۱). بر این اساس، یافته‌های حاضر نیز تأیید می‌کند که میزان درک افراد از کنترل موالید و روشهای مورد استفاده آن نیز بین گروه‌های مختلف متفاوت است. در این مطالعه حدود ۱۴ درصد از زنان سنی از بستن لوله (توبکتومی)، ۱۰ درصد از وسایل داخل رحمی (IUD) و نزدیک به ۳۷ درصد از کاندوم استفاده کرده‌اند در صورتی که این درصدها برای زنان شیعه به ترتیب ۱۷ درصد (توبکتومی)، ۶ درصد (وسایل داخل رحمی) و ۵۳ درصد نیز کاندوم بوده است. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد ازدواج فامیلی در بین زنان سنی بیشتر است. احتمالاً کاهش شکل‌گیری ازدواجهای خویشاوندی بین زنان شیعه را می‌توان به ویژگیهای متفاوت فرهنگی، افزایش سطح سواد و تحصیلات و افزایش پایگاه اقتصادی اجتماعی آنها در

جامعه نسبت به زنان سنی نسبت داد. بر این اساس چنین وضعیتی‌هایی که حاصل تفاوت‌های اعتقادی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی گروه‌های قومی و مذهبی است، می‌تواند ورای همگراییهای اقتصادی و اجتماعی، نگرشها و رفتارهای مرتبط با فرزندآوری و باروری را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، فهم دقیقتر رفتار باروری گروه‌های مذهبی، نیازمند شناخت دقیق تمام عوامل درگیر است.

این پژوهش به مطالعه تعیین‌کننده‌های رفتار باروری گروه‌های مذهبی بین زنان شهر سرپل ذهاب استان کرمانشاه پرداخت و تعدادی از عوامل تعیین‌کننده آن را بررسی کرد. اگرچه در طول سالیان اخیر باروری زنان، روند تغییراتی را مشابه با کل کشور تجربه کرده است با توجه به ویژگیهای متفاوت اقتصادی - اجتماعی گروه‌های مختلف قومی در ایران، نتایج قابل‌تعمیم به سایر گروه‌های قومی نیست و بالطبع علل و عوامل تعیین‌کننده رفتارهای باروری در هر گروه قومی می‌تواند متفاوت باشد. دولت ناگزیر باید تدابیری برای جلوگیری از استمرار باروری کم و ارتقای آن تا بالاتر از سطح جایگزینی بیندیشد. برنامه‌ها و سیاستهای دولت باید با خواسته‌ها و منافع زنان و خانواده همسو باشد. انتخاب سیاستهای همسو و موافق با خواسته‌های زوجین احتمال موفقیت دولت را برای ارتقای باروری در میان زیرگروه‌های مختلف جمعیتی بیشتر می‌کند. بر اساس این نتایج، پیشنهاد می‌شود که مطالعاتی با روشهای کیفی برای ارزیابی بیشتر تأثیر عوامل قومی - فرهنگی و مذهبی مختلف بر باروری زنان، مطالعه باروری برای هر یک از همسران به صورت مقایسه‌ای انجام شود؛ به زبان دیگر بررسیهایی با هدف سنجش تأثیر مردان در نگرش زنان نسبت به باروریشان انجام شود. هم‌چنین با توجه به رابطه ساختار جمعیتی زنان در دامنه سنی باروری و نیز شمار فرزندان در قید حیات آنها، بسته‌های تشویقی مولید باید بیشتر معطوف به زوجهای جوان باشد.

منابع

احمدی، علی‌یار؛ فیضی، میلاد (۱۳۹۳). تعیین کننده‌های باروری زیر حد جایگزینی زنان کُرد، مطالعه موردی زنان ۴۹ - ۱۵ ساله شهر سنندج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز.

حسینی، حاتم؛ عرفانی، امیر؛ پاک‌سرشت، سلیمان؛ بگی، بلال (۱۳۹۱). نیاز برآورده نشده بهداشت بارداری و

تعیین کننده‌های آن در میان زنان کُرد شهر مهاباد. زن در توسعه و سیاست. دوره ۱۰. شماره ۲: ۶۵ تا ۸۶.

- حسینی، حاتم؛ بگی، بلال (۱۳۹۲). تحلیل تمایز عوامل مؤثر بر استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی در میان زنان کُرد شهر مهاباد. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۱۴، شماره ۲: ۱۵۱ تا ۱۷۵.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۷). *قومیت و باروری: تبیین رفتارهای باروری زنان کُرد و ترک در شهرستان ارومیه*. رساله دکتری جمعیت‌شناسی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۴). عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری زنان. *مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران*. مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۶). درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده. همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی‌سینا.
- حسینی، حاتم (۱۳۹۰). *جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده*. ویراست دوم. چ چهارم. همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی‌سینا.
- حسینی، حاتم؛ عسکری ندوشن، عباس؛ مرادی، ناهید (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی تمایلات فرزندآوری زنان کُرد شیعه و سنی در مناطق روستایی شهرستان کامیاران. *مطالعات زن و خانواده*. شماره ۱: ۶۳ تا ۸۴.
- راد، فیروز؛ ثوابی، حمیده (۱۳۹۴). بررسی گرایش به باروری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن؛ مطالعه موردی زنان متأهل ۵۰ - ۱۵ ساله ساکن در شهر تبریز. *مطالعات زن و خانواده*. شماره ۱: ۱۲۷ تا ۱۵۵.
- سروش، مریم؛ بحرانی، شعله (۱۳۹۲). رابطه دینداری، نگرش به نقش‌های جنسیتی و نگرش به فرزند، با تعداد واقعی و ایده‌آل فرزند. *نشریه زن در توسعه و سیاست*. شماره ۲: ۱۸۹ تا ۲۰۸.
- شیخ بیگلر، رعنا (۱۳۹۰). شناسایی مناطق محروم ایران با استفاده از رتبه‌بندی ترکیبی. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*. شماره ۷: ۵۳ تا ۷۰.
- طالب، مهدی؛ گودرزی، محسن (۱۳۸۲). قومیت، نابرابری آموزشی و تحولات جمعیتی. *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۲: ۱۱۳ تا ۱۴۲.
- عباسی‌شوازی، محمد جلال؛ حسینی چاوشی، میمنت؛ مک‌دونال، پیترو؛ دلاور، بهرام (۱۳۸۳). *تحولات باروری: شواهدی از چهار استان منتخب*. تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- کلانتری، صمد؛ عباس‌زاده، محمد؛ امین مظفری، فاروق؛ راکعی بناب، ندا (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: جوانان متأهل شهر تبریز). *جامعه‌شناختی کاربردی*. شماره ۳۷: ۸۳ تا ۱۰۴.
- لوکاس، دیوید؛ میر، پاول (۱۳۸۷). *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*. ترجمه حسین محمودیان. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- محمودیان، حسین؛ نوبخت، رضا (۱۳۸۹). مذهب و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های مذهبی سنی و شیعه شهر گله‌دار استان فارس. *مسائل اجتماعی ایران*. شماره ۱: ۱۹۵ تا ۲۱۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور*. تهران: مرکز آمار ایران.

منصوریان، محمدکریم؛ خوشنویس، اعظم (۱۳۸۵). ترجیحات جنسی و گرایش زنان همسر دار به رفتار باروری: مطالعه موردی شهر تهران. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. شماره ۲: ۱۲۹ تا ۱۴۶.
 نوروزی، فیض‌الله؛ بختیاری، مهناز (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. *فصلنامه راهبرد*. شماره ۵۳: ۱۴۹ تا ۲۶۹.

- Abbasi-shavazi, mj, p. McDonald, and M. Hosseini-chaoshi. 2009. **the Fetility Transition in Iran: revolution and reproduction**. Springer Dordrecht Heidelberg London New York.
- Althaus, Frances A. 1992. Differences in Fertility of Catholics and Protestants are Related to Timing and Prevalence of Marriage. **Family Planning Perspectives** 24(5): pp.234-246.
- Bongaarts, J and S.C. Watkins 1996. Social Interactions and Contemporary Fertility Transitions. **Population and Development Review** 22(4): 639 – 682.
- Branas-Garza P and Neuman Sh. 2007. Parental Religiosity and Daughters Fertility The Case of Catholics in Southern Europe, **Review of Econoy of Household**. 5: 305-327.
- Chamie, J. 1981. **Religion and fertility: Arab Christian-Muslim Differentials**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Cleland, J and Wilson, C. 1987. Demand Theories of the fertility transation. An iconoclastic View, **population studies**. 41: 5 – 30.
- Hammel, E.A. 1990. A Theory of Culture For Demography. **Population and Development Review**. vol (16) pp. 455- 485.
- Heineck, G. 2005. The Relationship Between Religion and Fertility: Evidence from Austria. **Unpublished MS, Austrian Institute for Family Studies**.
- Heyford, S.R and Morgan. S.Ph. 2008. Religiosity and Fertility in the United States: The Role of Fertility Intentions. **Sociology Forces**. 86(3):pp.1163-1188.
- Lopez, D.E and G, Sabagh. 1978. Untangling Structural and Normative Aspects of the Minority Status Fertility Hypothesis. **American Journal of Sociology**. 83 (6): 1491-1497.
- McQuillan, Kevin. 2004. When Does Religion Influence Fertility? **Population and Development Review**. 30 (1):26.
- Mishra, V. 2004. Muslim/Non-Muslim Differentials in Fertility and Family Planning in India, East-West Center Working Paper. No. 112, **Population and Health Series**.
- Mosher, W and G. Hendershot. 1984. Religion and Fertility: A Replication. **Demography** 21 (2): 185-191.
- Sander. W. 1992. Catholicism and the Economics of Fertility. **Population studies** 46. p.477-489.
- Zhang, L. 2008. Religious Affiliation Religiosity and Male and Female Fertility. **Demographic Research**. 18: pp.233-262.